

زبان مناسب

عباس سبحانی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

یکی از عواملی که در ایجاد تعادل بین متن اصلی و ترجمه آن ضروری و مؤثر است استفاده از زبان مناسب است. کسانی که به مشکلات تدریس ترجمه واقفند، می‌دانند که اغلب دانشجویان در تشخیص زبان مناسب و گونه‌های زبانی با مشکل روبرو هستند. این مقاله بر آن است تا ضمن آشنا ساختن علاقه‌مندان با گونه‌های زبان فارسی، ایشان را به مطالعه هرچه بیشتر آثار نویسندگان پیشرو و صاحب سبک ترغیب نماید.

در ارتباط‌های روزانه خود با دیگران همیشه زبانی واحد بکار نمی‌بریم، بلکه سخن خود را براساس طبقه اجتماعی خود و مخاطب و همچنین نوع ارتباط و وابستگی که با مخاطب داریم تنظیم می‌کنیم. برای مثال، در نامه‌نگاری، واژگان و ساختارها را با توجه به هدف نامه انتخاب می‌کنیم و تفاوت در هدف است که منجر به پیدایش سبک‌های متفاوت نامه‌نویسی از جمله نامه دوستانه، نامه اداری، شکوائیه و... می‌شود. همین تفاوت‌های واژگانی و ساختاری موجب شده است تا طرز نگارش متن‌های علمی، مذهبی، ادبی، تاریخی، مطبوعاتی، فلسفی، حقوقی و... از یکدیگر متمایز شوند. در داستان‌نویسی که در واقع انعکاسی از دنیای واقعی ماست تقریباً با انواع گونه‌های زبانی مواجه هستیم. بنابراین بررسی زبان‌شناختی داستان ما را در شناخت و تحلیل گونه‌های زبانی یاری می‌کند.

در کار نویسندگی، به‌ویژه در قصه‌نویسی، زبان یکی از چهار رکن اساسی است که قصه‌ای را از دیگر قصه‌ها متمایز می‌کند.^(۱) نویسنده با انتخاب شخصیت‌های داستان، زبان ویژه آنها را هم بر می‌گزیند. در سینما و تئاتر، تماشاگر علاوه بر زبان از طریق حرکات و رفتار اشخاص پی به شخصیت آنها می‌برد. اما در داستان، خواننده تنها از طریق زبانی که نویسنده برای اشخاص داستان بر می‌گزیند با شخصیت‌های داستان آشنا می‌شود و به روحيات و افکار آنها پی می‌برد. به عبارت دیگر، شخصیت آدم قصه هر طور که باشد زبانش نیز همانطور است.^(۲) زبان هر شخص نشان دهنده سن، تجربیات، طبقه اجتماعی، شرایط روحی- روانی، شرایط جسمی و... اوست. بنابراین نویسنده با تجربه، اشخاص داستان خود را از طریق زبان به خواننده معرفی می‌کند. زبان در داستان کاربردهای متعددی دارد، از جمله موارد زیر:

نشان دادن وضعیت جسمی یا روحی- روانی شخصیت داستان: جلال آن‌احمد برای نشان دادن حالت جسمی و روانی یکی از شخصیت‌های داستانش که فردی معتاد است از شگردی زبانی استفاده می‌کند

که در واقع نوعی آوانویسی واژگان زبان این طبقه اجتماعی است:

... وقتی کاری داشت و می خواست مرا صدا بزند داد می زد: جونم نرگ شده! یا عصرها برم می داشت می برد زیر بازارچه خرید و یک طرف تنش را روی زمین می کشید و ب و میم را نمی توانست بگوید و آب از لوجه اش می ریخت و برایم کشمش سبز می خرید و ازش که می پرسیدم عمو تو چرا این جور شدی؟ می گفت: ای لباره چیز خورن کرده... (جلال آل احمد - گلسته ها و فلک)

صادق هدایت برای نشان دادن لکنت زبان یکی از شخصیت های داستان داش آکل از تقطیع واژگان استفاده می کند:

بعد رو کرد به شاگرد قهوه چی و گفت: به به بچه، یه چای بیار ببینم... ار- وای شک کمشان، آنهایی که ق ق قهی پا میشند، آگ لو لوطی هستند امشب می آیند دست و په په پنجه نرم میک کنند!

نشان دادن سن شخصیت داستان: در متن زیر نویسنده با استفاده از زبان کودکانه، خواننده را با ویژگی سنی شخصیت داستان آشنا می سازد و به این ترتیب بین زبان او و زبان راوی داستان تفاوت قائل می شود:

دو سه جا خواست برایش قاقا بخرم. گفتم اول سوار ماشین بشیم بعد برات قاقا می خرم. یادم است آنروز هم مثل روزهای دیگر هی از من سؤال می کرد... وقتی زمینش گذاشتم گفت مادل- دسس اوخ سده بودس... (جلال آل احمد... بچه مردم)

نشان دادن طبقه اجتماعی و گویش شخصیت داستان: زبانی که هدایت برای طبقه داشها و لاتنها در داستان داش آکل انتخاب کرده است نمونه ای از این مورد است:

داش آکل را می گویی؟ دهنش می چاد، سگ کی باشد؟ یارو خوب دک شد. در خانه حاجی موس موس می کنه؟ گویا چیزی می ماسه، دیگرم محله سر دوزک که می رسه دمش را توی پایش می گیرد و رد می شود.

بطوری که ملاحظه می شود زبان این متن علاوه بر نشان دادن طبقه اجتماعی خاصی، بیانگر لهجه شیرازی نیز هست.

جلال آل احمد در دیدوبازدید با انتخاب زبان های مناسب تفاوت میان طبقه های مختلف اجتماعی را کاملاً روشن می سازد:

طبقه اشراف: سلام حضرت آقای استاد بزرگوار! از صمیم قلب تبریک عرض می کنم. وظیفه وجدانی بنده است که همیشه خاک درگاهتان را سرمه چشم کنم. ولی چقدر روسیاهم که این قدر قصور ورزیده ام. روزنامه نگار: ای آقا! از چه دولتی پشتیبانی کنیم؟ وقتی که این قدر پرسونالیت ندارد که به تلفن یک منشی سفارتخانه اهمیت ندهد و دهان مطبوعات را که رکن چهارم، و به عقیده من رکن اول، آزادی یک ملت دموکرات است ننهد کجا قابل پشتیبانی نیروی ملت است؟...

بازاری: پس معلوم شد چرا آقا با دولت سر قوز آمده اند. هه! ما بازاری ها، گرچه باید ببخشید، من بازاری نیستم، بازرگانم، همیشه به حقیقت امر نگاه می کنیم...

مذهبی تحصیل کرده: خیلی مشموف شدم، خیلی باید ببخشید، مصدع اوقات شده بودم. امیدوارم در سال

جدید استفاضات و استفادات و ...

مادر بزرگ: علیک سلام ننه جون! عیدت مبارک! صد سال به این سالها! زیر سایه امام زمون، کربلای معلا، نجف اشرف، ننه جون مگه عیدی بشه و سالی بیاد و بره که این ورا پیدات بشه!... من که بلد نیستم به شما فکلیا بگم تریک چه می دونم تریک عرض می کنم...

آگهی روزنامه: تریکات صیمانه ام را در این نوروز ملی باستانی، به خدمت تمام دوستانی که همه ساله سرافراز می فرمودند، تقدیم داشته و...

نماینده مجلس: بله دوست هیچ اوتوریت‌های از خود نشان نمی دهد. یعنی تقصیر هم ندارد. شاکن پورسواکار می کند و هیچ کس در فکر اجتماع نیست. همه تنها کیرییک می کنند و هیچ یک عمل پوزیتیو از خود بروز نمی دهند...

توصیف عناصر داستان: نویسنده برای معرفی عناصر داستان مثل زمان و مکان و فضای داستان از زبان خاصی استفاده می کند. به عنوان مثال گاهی نویسنده با آگاهی از تأثیری که نام آواها (Onomatopoeic words) در زنده‌نمایی وقایع و رخدادهای داستان در ذهن خواننده دارد از اینگونه واژگان بهره می گیرد:

قطار آمد، از دور دکه دک دک، دکه دک دک... پیش آمد. صدا سنگین شد، ذهن شاسب کوبید دکه دک دک، سگ نامرد، دکه دک دک، سگ نامرد، دکه دک دک، سگ نامرد... پل لرزید و کسی انگار به سر شاسب ضربه زد تا پ! غلتید... آخه چه جوری سر جوجه را قورت دادی؟ جویدی! - چشم معصوم جوجه! کروب!... ویزرز، ویزرز - غوومم، غوومم... سفر تو آسمان - طیاره سه موتوره - حالا واقعا رزاق بود؟... (احمد محمود - دیدار)

اگر از دیدگاه زبان‌شناختی به مسئله کاربرد زبان نگاه کنیم می بینیم که آنچه زبان شخصی را از زبان شخصی دیگر متمایز می کند واژگان و ساختار عبارات است. بنابراین این امکان وجود دارد تا از طریق مقایسه واژگان و ساختار دو گونه زبانی متفاوت، تفاوت‌های آنها را تعیین کرد. نتیجه این تحقیق و بررسی در ترجمه کاربرد دارد. می دانیم یکی از مواردی که همواره از شرایط اولیه و در واقع یکی از شروط صحت ترجمه محسوب می شود انتخاب زبان مناسب برای متن مورد نظر است. در ترجمه ما با مشکلی مضاعف روبرو هستیم؛ از یک طرف تشخیص زبان یا زبانهایی که نویسنده در متن اصلی به کار برده است و از طرف دیگر انتخاب زبان مناسب در زبان مقصد. لغزش مترجم در هر یک از این دو زمینه به ترجمه آسیب می رساند. لذا به جهت اهمیت و نقشی که زبان در ترجمه ایفا می کند لازم است مواردی را در حد بضاعت بررسی کنیم:

الف) زبان ارتباطی - زبان ادبی* : منظور از زبان ارتباطی، زبان ساده و روانی است که روزانه مردم برای رفع احتیاجات خویش به کار می برند و هدف آن تنها انتقال معنا است. در زبان ادبی، برخلاف زبان ارتباطی، با استفاده از ایهام، استعاره، تمثیل، اصوات و... الگوی خاصی بر زبان تحمیل می شود.

* در برخی از کتابهای زبان‌شناسی این تقسیم‌بندی تحت عنوان‌های مختلفی از جمله زبان استقالی (Transactional Language) و زبان تأثیری (Interactive Language) آمده است.

نتیجه اینکه در این گونه زبانی هدف تنها اطلاع رسانی نیست بلکه با استفاده از شگردهای ادبی مفاهیم از شکل عادی و روزمره خود خارج می شوند و از طریق بازی با صورت کلام (Form) موضوع زیباتر، عاطفی تر، احساسی تر و... جلوه می نماید. مترجم همواره با طیف وسیعی از متن های گوناگون روبرو است که بین دو قطب زبانی، یعنی زبان ارتباطی و زبان ادبی، قرار گرفته است. بدیهی است نمی توان مرز مشخصی بین این دو قطب قائل شد. مترجم براساس تجربه و تسلط خویش بر هر دو زبان مبدأ و مقصد، همانند بندبازی ماهر، بین این دو قطب زبانی حرکت می کند. هرگونه غفلت و اشتباه در این راه به سلامت سبک لطمه می زند.

صادق هدایت از جمله نویسندگانی است که موضوع داستانش به خوبی تعیین کننده نوع زبانی است که برمیگزیند. با مقایسه واژگان و ساختار دو فراز زیر از بوف کور این موضوع کاملاً روشن می شود:

در زندگی زخمهایی است که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می خورد و می تراشد. این دردها را نمی شود به کسی اظهار کرد. چون عموماً عادت دارند که این دردهای باورنکردنی را جزو اتفاقات و پیش آمدهای نادر و عجیب بشمارند و...

با اینکه نجون می دانست دود غلیان برایم بد است باز هم در اطاقم غلیان می کشید. اصلاً تا غلیان نمی کشید سردماغ نمی آمد. از بسکه از خانه اش، از عروس و پسرش برایم حرف زده بود...

ب) زبان گفتاری - زبان نوشتاری: در گفتار، واژگان و ساختار را متفاوت از نوشتار به کار می بریم. برخی نویسندگان عین زبان گفتار را به کار می برند تا زبان داستان در نظر خواننده کاملاً طبیعی جلوه کند:

حتماً تو می خواستی شهر بری، راهوگم کردی هان؟ لابد با خودت میگی این وقت شب من تو قبرسون چکار دارم. اما تترس، سروکار من با مرده هاس، شغلم گورکنیس، بدکاری نیس هان؟...
(صادق هدایت - بوف کور)

در متن فوق نویسنده با استفاده از واژگان گفتاری (مثل: لابد) و یا شکستن کلمات (مثل: بری، راهو، میگی و...) گفتار را همانگونه که در واقع بیان می شود ثبت می کند. البته شکستن ساختار کلمات و به اصطلاح گفتاری نمودن واژگان گاهی اوقات باعث می شود خواننده در تشخیص و خواندن کلمات دچار اشکال شود. بنابراین بعضی از نویسندگان ترجیح می دهند بجای شکستن واژگان از شکستن ساختار استفاده نمایند. توضیح اینکه براساس اصول دستور زبان فارسی، مادر نوشتار جملات را بطور کامل و فعل را بیشتر در آخر جمله بکار می بریم در حالی که در گفتار بیشتر تمایل بر این است که بعضی از عناصر جمله را حذف کنیم تا جملات کوتاهتر و راحت تر بیان شوند. همچنین در گفتار فعل را در وسط جمله و نزدیک به فاعل بکار می بریم. بنابراین، با توجه به این اصول، ضمن استفاده از زبان گفتاری و طبیعی جلوه دادن گفتگوها، ترجمه را می توان از آفت شکستن کلمات برهانیم:

اولین بار هفته پیش دیدمش، عصری بود و شوهر خواهرم آمده بود احوالپرسی. من که رفتم برایش

چای بیرم، چشم افتاد بهش، سیاه و بزرگ و بد ترکیب و چه درشت! حتی کرک‌هایش راهم می‌شد دید.
از همان فاصله...

نویسندگان انگلیسی زبان بیشتر تمایل دارند از ساختارهای طولانی و پیچیده در نوشتار خود، بویژه در متن‌های ادبی، سود جویند در حالیکه فارسی‌زبانان بویژه در متن‌های داستانی سعی دارند تا جملات هرچه کوتاهتر و ساده‌تر بکار ببرند. بنابراین در ترجمه، که عرصه رویارویی دو زبان محسوب می‌شود، بایستی این تفاوت را مد نظر قرار داد و ساختارهای بلند و پیچیده را حتی الامکان به ساختارهای کوتاهتر و ساده‌تر تبدیل کرد:

چهارونیم صبح مکه بودیم. دیشب هشتونیم از مدینه راه افتادیم. ماشین یک اتوبوس بود که سقفش را برداشته بودند. لباس احرام را از مدینه پوشیده بودیم و مراسم مسجد و بعد سوار شدن و آمدن و آمدن. سقف آسمان بر سر، ستاره‌ها چه پائین و آسمان عجب نزدیک و... (جلال آل‌احمد - خسی در میقات)

ج) ترجمه گونه‌های زبانی^(۳)

گونه‌های موجود در یک زبان متنوعند: گونه شخصی که در اصطلاح عام به آن تکیه کلام می‌گویند مربوط به ویژگی‌های (آوایی، دستوری و لغوی) فردی انسانهاست به گونه‌ای که طرز گفتار فرد را از دیگران ممتاز می‌سازد. گویش جغرافیایی که در واقع نشان دهنده تفاوت‌های زبانشناختی بین مناطق مختلف یک سرزمین است (مثل گویش کردی، لری، گیلکی و...). گویش اجتماعی که منعکس کننده طرز تفکر و رفتار طبقات مختلف اجتماعی (مثل طبقه اشراف، طبقه بازاری، طبقه کارمند و کارگر و...) می‌باشد.

دسته دیگری از گونه‌های زبانی، مربوط به نحوه استفاده از زبان و نوع رابطه‌ای است که بین متکلم و مخاطب وجود دارد و در واقع نشان دهنده میزان صمیمیت و آشنایی بین آنهاست که این امر منجر به استفاده از زبان رسمی، نیمه رسمی، غیر رسمی، محاوره‌ای و عامیانه می‌شود. در اغلب زبانها یکی از گونه‌های زبانی تحت عنوان زبان معیار در رادیو، تلویزیون، روزنامه و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما گاهی نویسنده مثلاً برای اینکه وابستگی شخصیت داستان را به منطقه جغرافیایی یا طبقه اجتماعی خاصی نشان دهد از گونه زبانی خاصی استفاده می‌کند (مثل زبانی که صادق هدایت در داش آکل و یا احمد محمود در دیدار به کار می‌گیرند).

اما در ترجمه، موضوع تا حدودی متفاوت است. استفاده از گونه‌های غیر معیار بایستی کاملاً با احتیاط صورت گیرد. در صورتی که نویسنده متن اصلی گونه‌ای غیر معیار بکار برده باشد و مترجم بخواهد اصل وفاداری را رعایت کند، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱) انتخاب گونه زبانی خاصی از سوی مترجم نیازمند شناخت کافی او از گونه مورد نظر است بطوری که بتواند قواعد و اصول آن را به درستی رعایت کند.

۲) گاه گونه‌های موجود در زبان‌های مبدأ و مقصد قابل انطباق بر یکدیگر نیستند. بنابراین تصمیم‌گیری در مورد انتخاب گویش در زبان مقصد چندان آسان نیست و ممکن است بر اصل

ترجمه آسیب وارد سازد.

(۳) طرز نگارش بعضی از گونه‌ها، به‌ویژه در زبان فارسی، قاعده و اصول معینی ندارد و بیشتر بر اساس سلیقه نویسنده انجام می‌گیرد. این موضوع باعث می‌شود تا خواننده به راحتی از عهده خواندن متن بر نیاید.

(۴) همه مخاطبین ترجمه مسلماً با گونه زبانی واحدی آشنایی ندارند. بنابراین به کار بردن گونه زبانی خاصی غالباً باعث می‌شود تا متن ترجمه شده نتواند با تمام مخاطبان خویش ارتباط برقرار کند.

(۵) هر گونه زبانی، آداب و رسوم و طرز تفکر خاصی را به همراه دارد و طرز تفکر منطقی‌ای خاصی را بر ترجمه حاکم می‌کند و به عبارتی دیگر زمان و مکان و فضای متن اصلی را بر هم می‌زند. خلاصه اینکه اگرچه استفاده نویسنده از گونه‌های زبانی باعث زیبایی و استحکام متن اصلی می‌شود اما در ترجمه به دلیل مسائل زبانشناختی این کار معمولاً با احتیاط و با شرط احاطه کامل بر آن گونه زبانی صورت می‌گیرد.

زیرنویس‌ها:

(۱) براهنی، رضا. قصه‌نویسی، تهران، نشر البرز، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶.

(۲) مرجع قبل، ص ۳۲۴.

(۳) لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

توضیح

در قسمت اول مقاله جروم در شماره قبل چند خطای چاپی راه یافته بود که بدین ترتیب اصلاح می‌شود:

ص ۸۶ سطر ۱۹ و مکاتبات پرشوری با اهل...

ص ۸۷ سطر ۴ در سال ۳۸۴ بعد از درگذشت راماگس...

ص ۸۸ سطر ۲۴ او با سرقت چیزی که از آن ائوسیبوس بود...

ص ۸۹ سطر ۱۰ بدین قصد که تمرینی در کار ترجمه اصطلاحات...

ص ۹۰ سطر ۱ اساس رانه بر ترجمه لفظ به لفظ که بر...

ص ۹۲ سطر ۷ اما مرقس به این نیت که حکم متن اصلی...

ص ۹۲ سطر ۱۸ و در متن اصلی عبری اگر چند...